

بررسی جایگاه مسجد جامع بصره از تأسیس تا پایان امویان

بلال شانواز*

جمشید منتشلو**

چکیده

مسجد جامع بصره یکی از این مساجد جامعی بوده که از نهادهای سیاسی و فرهنگی جهان اسلام در دو قرن اول هجری محسوب می‌شود. سؤال اصلی این است که با توجه به حضور موالی و تازه مسلمانان در شهر بصره، مسجد جامع این شهر چه نقش و جایگاهی در توسعه مبانی دینی و فرهنگی اسلام داشت و تأثیر و تأثر آن با مسجد جامع کوفه چگونه بوده است؟ در پاسخ، ضمن نگاهی به تعاریف نظری، ابعاد و جامعیت مسجد در شهرها، به شکل‌گیری جامع بصره و میزان غنای علمی و فرهنگی آن اشاره و با استفاده از منابع تاریخی و جغرافیایی، تقابل جامع بصره با جامع کوفه بررسی می‌شود. حاصل اینکه اگرچه ضرورت‌های نظامی و سیاسی بنای جامع بصره را سبب گردید، اما این مکان کانون اصلی توسعه مبانی فرهنگی و علمی در میان تازه مسلمانان شد که نتیجه آن آزادی اندیشه اسلامی و ظهور علم کلام و نحو بود.

واژگان کلیدی

مسجد بصره، قدمگاه امام علی علیه السلام، علم کلام، نماز جمعه، فقه و حدیث، علم نحو.

b.shahnavaz@gmail.com

*. کارشناسی ارشد تاریخ ایران.

** . دانشجوی دکتری تاریخ تمدن و فرهنگ ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد مشهد.

mantashloojamshid@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۹/۰۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۰۳

طرح مسئله

درباره مسجد جامع، مفاهیم و عملکردهای آن به‌طور کلی و به‌تفصیل مقالات و کتب و سمینارهای علمی زیادی صورت گرفته است. به‌واسطه همین مساجد جامع، مسلمانان بیش از هر عامل دیگری اهمیت وحدت و هم‌نوایی جامعه اسلامی را در شهرهای مفتوحه درک کردند. به همین طریق این مساجد نقش پررنگ‌تری در تحکیم و توسعه بنیادهای سیاسی و فرهنگی دین اسلام داشتند. در زمان خلیفه دوم، هر شهر یا منطقه‌ای که فتح می‌شد، مسجدی را در آن بنا می‌کردند. سپس علما و فقها برای آموزش به آنجا اعزام می‌شدند. از این‌رو مساجد جامع، اولین نهادهای آموزشی اسلام نیز محسوب می‌شوند. روابط حکومت با مردم بیشتر در همین مساجد تعریف و تبیین می‌گردید و از طرفی بالاترین کارکرد مسجد، یعنی عبادت جمعی، غالباً در مساجد جامع تحقق می‌یافت. در تبیین و بررسی مساجد جامع نخستین شهرهای مهم اسلامی مانند مدینه، دمشق، بغداد، فسطاط، کوفه و در نهایت بصره، کمتر به جزئیات، اهمیت جایگاه و تأثیر و تقابل آنها با یکدیگر در تقویت و گسترش میانی علوم دینی و سیاسی اسلام پرداخته شده است. به همین منظور، بررسی پیامد و کارکرد مسجد جامع بصره هدف این نوشتار می‌باشد.

شهر بصره^۱ با گسترش اسلام در منطقه عراق به‌منظور پایگاه نظامی ساخته شد. طبیعی بود که با توجه به اصول اعتقادی اسلام، بنای یک مسجد در مناطق مفتوحه، نخستین ساختمانی باشد که در آن احداث می‌گردید. از این‌رو معماری اولیه مسجدی که در شهر بصره ایجاد شد، بسیار ساده بود و کارکرد ناب مذهبی و معنوی را به تصویر می‌کشید. بنای مسجد همراه با حضور صحابه و تابعین پیامبر ﷺ در بصره باعث شد تا بیشتر مورخان و دانشمندان، بصره را به‌عنوان اولین شهر فرهنگی اسلام در عراق بدانند.^۲ این ویژگی پیش و بیش از هر امری در مسجد این شهر که در همان آغاز جامعیت پیدا کرد، تبلور یافت.

بررسی دقیق کارایی جامع بصره می‌تواند ما را در فهم عمیق از کارکردهای فرهنگ اسلامی در سال‌های آغازین اسلام یاری نماید. بخش اعظم دوره اولیه اسلامی از سال ۸۰ تا ۳۹۰ ق از طریق همین مساجد جامع مستندسازی شده است. با چنین رویکردی، در تحقیق حاضر به جامعیت مسجد بصره با ماهیت نقش آن در تعلیم و تربیت و گسترش علوم اسلامی از تأسیس تا پایان زمان امویان پرداخته می‌شود. ابتدا چکیده‌ای از مفهوم جامع، روابط جمعه با جامع و پیشینه

۱. به‌معنای پوشیده از سنگ‌های سیاه و ریگ. (دینوری، اخبار الطوال، ص ۱۴۴)

۲. ناجی، اسهامات مورخی البصره فی کتابة التاریخیه حتی القرن الرابع الهجرى، ص ۲۷.

مساجد جامع بیان می‌شود؛ سپس چگونگی بنای شهر بصره و انگیزه‌های شکل‌گیری مسجد جامع آن و همین‌طور کارکردها، علوم آموزشی، حضور و تربیت شخصیت‌های علمی و فقهی و تقابل این مسجد با جامع کوفه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

درباره جامع بصره به‌لحاظ فرهنگی و اجتماعی پژوهش مستقلی که بتواند نحوه کارکرد و جایگاه آن را در توسعه علوم اسلامی در میان تازه‌مسلمانان نشان دهد، صورت نگرفته است. همچنین در تحقیقات انجام‌شده تا جایی که نگارنده بررسی کرده، بررسی مقایسه‌ای جامع بصره با دیگر مساجد جامع قرون اولیه اسلام مشاهده نمی‌شود و در آنچه پژوهش شده، بیشتر به معماری مسجد و شخصیت‌ها و علمای مذهبی که در این مسجد حضور و تدریس داشتند - البته بیشتر در دوره‌های پس از امویان - اشاره شده است. در این خصوص از تحقیقات مورخ شهیر عراقی، یعنی عبدالجبار ناجی نباید غافل شد که در دو کتاب *مین مشاهیر اعلام بصره و اسهامات مورخی البصره فی کتابه التاريخیه حتی القرن رابع الهجری* به علما و فقها و مورخان بصره پرداخته است. از این کتب اطلاعات ارزشمندی درباره نام و نشان علمای اسلام که در مسجد جامع بصره علوم مختلف را تدریس می‌کردند، به‌دست می‌آید.

پیشینه مسجد جامع

کلمه «جامع» در قرآن کریم تنها یک بار به‌معنای لغوی (در ترکیب «امر جامع») و به‌مثابه اسمی از اسامی حق تعالی به‌کار رفته است.^۱ به‌طور کلی این واژه که از اسم فاعل جمع و به‌معنای پیوستن اجزا به یکدیگر و گرد آوردن است،^۲ نوع باشکوهی از بنا بود که رابطه کاملاً مستقیمی با کارکرد بسیار بزرگ‌تر مسجد داشت و نفس لفظ آن، کارکرد حیاتی این بنا را یادآوری می‌کند. آنچه مسجد جامع را جامعیت می‌داد، برگزاری نماز جمعه در آن بود؛ تا جایی که مسجد جامع را مسجد جمعه نیز می‌گفتند. جامع، نقشی عمومی با مایه‌های نمادین و تبلیغی داشت که مساجد عادی از آن بی‌بهره بودند. بنابه روایات و متون تاریخی، احداث جامع تنها با اجازه و تصویب شخص خلیفه بود؛ چنان‌که احداث جامع بصره و کوفه با اجازه خلیفه دوم بود.^۳ حتی در قرون

۱. نور (۲۴): ۶۲.

۲. خلیل ابن احمد، *العین*، ج ۱، ص ۲۳۹.

۳. دینوری، *اخبار الطوال*، ص ۱۵۱.

بعدی برای هر شهر بزرگ تنها اجازه ساخت یک مسجد جامع را می‌دادند و این ناشی از این واقعیت بود که داشتن مسجد جامع به شهر مقام و منزلت می‌بخشید.

پیشینه مسجد جامع به سال‌های اولیه اسلام و زمان حیات پیامبر ﷺ برمی‌گردد. اما ترویج و بنیان مسجد جامع به‌طور رسمی از دوره خلیفه دوم آغاز شد. در این دوره به مسجد جامع، مسجد اعظم می‌گفتند^۱ و برگزاری نماز جماعت و نماز مستحبی را در آن، برتر از حج و عمره مستحبی می‌دانستند.^۲ همین‌طور در زمان خلافت حضرت علی علیه السلام به مساجد کوفه و بصره، جامع می‌گفتند.^۳ در روایاتی از آن حضرت نیز آمده است که اعتکاف فقط در مساجد جامع شایسته است.^۴ در نام‌گذاری جامع‌ها، پیروی از آموزه‌های اخلاقی و دوری از خودنمایی و نیز جلب رضایت پروردگار و ثواب اخروی موجب می‌شد که بانیان جامع، دست‌کم در ظاهر، چندان عنایتی به نام‌گذاری رسمی برای جامع‌ها نداشته باشند. از این‌رو بیشتر مساجد به نام شهرها خوانده می‌شدند؛ مانند جامع بصره، کوفه، اصفهان، فسطاط و دمشق. جامع‌ها معمولاً با نظارت خلیفه یا بانیان وی اداره می‌شد. خلفای راشدین به پیروی از سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر مساجد جامع به‌طور مستقیم نظارت داشتند؛ حتی بر امور آموزشی و فرهنگی آن نیز نظارت می‌کردند. پس از این دوره قضات، عالمان دینی و شرطه یا وزیر مساجد جامع را اداره می‌کردند.^۵ اولین مساجد جامع در شهرهای تازه‌تأسیس بصره و کوفه، با ابتدایی‌ترین مصالح ساختمانی و در فضایی کوچک ساخته شدند. معماری اولیه این مساجد به هر طریقی که بوده است، بیشتر سادگی و خلوص عبادت و از همه مهم‌تر وحدت اسلامی را به نمایش می‌گذاشت. لکن چندی نگذشت که با گسترش شهرها، لزوم بازسازی جوامع با مصالح ساختمانی محکم‌تر خشت و آجر ضروری نمود.

جامع بصره و بنای آن

هرگاه سخن از مساجد نخستین اسلام به میان آید، بدون تردید جامع بصره یکی از این مساجد خواهد بود. این مسجد از مساجد اولیه جامع و سومین مسجد آیین اسلام به‌شمار می‌رود که در

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۷۶.

۲. سوبطی، تاریخ واسط دراسة فی الحركة الفكرية خلال العصر العباسی، ص ۱۷۹.

۳. ابن بابویه، علل الشرایع و الاحکام، ج ۲، ص ۵۹۳.

۴. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۲.

۵. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، ج ۱۴، ص ۳۸۳.

سال ۱۴ ق، هم‌زمان با تأسیس بصره، توسط عتبه بن غزوان با نی و پایپروس ساخته شد.^۱ عتبه از پیشگامان مسلمانان و مهاجران به حبشه بود که از سوی خلیفه دوم به فرمانداری بصره منصوب شد و بصره را به‌صورت شهر درآورد.^۲ جامع بصره سپس در زمان حکمرانی ابوموسی اشعری (۱۶ ق) به‌دنبال آتش‌سوزی گسترده‌ای که در آن رخ داد، با سازه آجر مورد تجدید بنا قرار گرفت. دینوری و بلاذری، بنای جامع بصره را به ابوموسی و نه عتبه بن غزوان نسبت می‌دهند.^۳

عمر به ابوموسی اشعری دستور داد تا به بصره رود و برای اعرابی که آنجا هستند، زمین اختصاص دهد و هر قبیله را در محله‌ای مسکن دهد و مردم را وادار به خانه‌سازی کند و برای ایشان مسجد بزرگی که بتوان در آن نماز جمعه گزارد، بسازد.^۴ نوشته‌اند مناره مسجد را امام علی علیه السلام ساخته است.^۵

در زمان معاویه، زیاد بن ابیه (حاکم بصره) جامع بصره را بازسازی کرد و توسعه داد. در نتیجه بنای پیشین تغییر یافت و با آجر، گچ و ستون‌های سنگی و همچنین سقف آن با چوب درختان مستحکم گردید. در این زمان مردم بصره به انتساب زیاد بن ابیه اعتراض کردند و در این مسجد مشتی ریگ به‌سوی او پرتاب نمودند. در نتیجه تمام سطح مسجد را به همین دلیل سنگفرش کردند و مناره مسجد را نیز بازسازی نمودند.^۶

جامع بصره در زمان عبیدالله بن زیاد نیز با خریداری خانه‌های شخصی اطراف آن، مانند خانه نافع بن حارث که نخستین بنا در بصره بود، گسترش یافت.^۷ با این حال در زمان خلفای دیگر امویان، چندان تغییری ایجاد نشد. اما در دوره عباسیان و در زمان مهدی عباسی به دلایل سیاسی و اجتماعی، دوباره با خرید خانه‌های اطراف، مسجد توسعه یافت. همچنین در زمان هارون الرشید ضمن بازسازی کلی، دارالاماره‌ای به صحن مسجد اضافه گردید.^۸ در این دوره در جامع بصره، بیش از ۲۰۰۰۰ نمازگزار نماز می‌خواندند و چون مسجد گنجایش این تعداد نمازگزار

۱. ناجی، *اسهامات مورخی البصره فی کتابه التاريخیه حتی القرن الرابع الهجری*، ص ۲۷۳.

۲. *واقعی، الطبقات*، ج ۳، ص ۹۸.

۳. *بلاذری، فتوح البلدان*، ص ۳۳۸.

۴. *دینوری، اخبار الطوال*، ص ۱۵۱.

۵. *الهروی، الاشارات الی معرفة الزیارات*، ص ۷۲.

۶. *بلاذری، فتوح البلدان*، ص ۲۷۷.

۷. همان، ص ۳۴۸؛ *دینوری، اخبار الطوال*، ص ۱۴۹.

۸. *بلاذری، فتوح البلدان*، ص ۴۸۹ - ۴۸۶.

را نداشت، ساختمان حکومتی را ویران کردند و به مسجد ملحق نمودند. علاوه بر ساختمان حکومتی، دیوان‌های دولتی، بازار و دیگر مراکز مهم شهر نیز در نزدیکی مسجد قرار داشت. جامعیت بصره تا قرن هفتم هجری محفوظ بود و ابن بطوطه جهانگرد از آن با عنوان مسجد جامع امام علی علیه السلام نام برده است.^۱ امروزه از این مسجد تنها قسمتی از گلدسته و باروی آن دیده می‌شود. مسجد جامع بصره به مسجد امام علی علیه السلام نیز شهرت دارد و نخستین مسجد ساخته شده در عراق به‌شمار می‌رود.^۲ بنا به نقل متون تاریخی، برجسته‌ترین شخصیت اسلامی که بر این مسجد گذر کرد، علی بن ابی طالب علیه السلام بود. او و فرزندانش در جریان جنگ جمل که در سال ۳۶ قمری در نزدیکی این مسجد رخ داد، وارد آن شدند.^۳ به همین خاطر امروزه مسجد بصره را قدمگاه امام علی علیه السلام نیز می‌گویند. حتی به باور مذهبی شیعیان، امام علی علیه السلام در این مسجد جبرئیل را به مردم نشان داد.^۴

انگیزه‌های شکل‌گیری جامع بصره

صرف‌نظر از مبانی مذهبی و اعتقادی در بنای یک مسجد، ضرورت نظامی نقش زیادی در ایجاد مسجد جامع بصره داشت. با پیش‌روی فتوحات، بدنه اصلی جامعه مسلمانان را خود نظامیان تشکیل می‌دادند و نیاز به مکانی برای تجمع هزاران مسلمان ضروری بود. در نتیجه یک محصوره ساده، بهترین پاسخ را به این نیاز می‌داد. وسایلی که جهت تأمین چنین فضای محصوره انتخاب می‌شد، الزاماً معمارانه و ماندگار نبود؛ خطی از خاکستر، حصار از نی (مسجد بصره) و خندقی کم‌عمق و نظایر آن، پاسخ‌گوی چنین نیازی بود. در واقع نیاکان مساجد جامع بعدی در شهرهای اسلامی با چنین روش غیر رسمی پدید آمدند. بنابراین در مرحله نخست، همان‌گونه که ضرورت‌های نظامی، بنای بصره را سبب گردید، مسجد جامع آن نیز با این انگیزه تأسیس شد. از طرفی، از لحاظ سیاسی و اداری گسترش دین اسلام نمی‌توانست کاملاً از مکه یا مدینه و حتی دمشق هدایت شود. از این‌رو در نزدیکی مزرهای مهم، ستادهای میانی مستقر گردید. در این راستا ستادهای بصره و کوفه برای عملیات جنگی در مناطق شمالی و جنوبی ایران استفاده می‌شد؛^۵

۱. ابن بطوطه، رحلة ابن بطوطه، ج ۱، ص ۵۲۸.

۲. ناجی و المبارک، من مشاهیر اعلام بصره، ص ۱۶.

۳. دینوری، اخبار الطوال، ص ۱۸۹.

۴. صدر حاج سید جوادی و دیگران، دایرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۲۶۲.

۵. دینوری، اخبار الطوال، ص ۱۴۸.

همان‌طور که حملات به شمال شرقی و شمال غربی آفریقا و همچنین اسپانیا با بهره‌گیری از فسطاط و قیروان تونس هدایت می‌شد. این مناطق مسکونی به شهرهای پادگان‌مانند حساسی تبدیل شدند که همواره شاهد ورود و خروج هزاران سپاهی بودند. طولی نکشید که با گسترش امور و در پی ایجاد صلح و امنیت پایدار، ضرورت جداسازی اردوگاه‌های نظامی از شهرهای همزاد آنها احساس شد. بنابراین یک مسجد مستقل، نماد مؤثری برای این جداسازی بود. با توجه به در دسترس بودن فضای باز جهت ساخت و نیاز برای پذیرایی از هزاران نمازگزار، مسجد بصره و همین‌طور مساجد اولیه در ابعاد بزرگ‌تری ساخته شدند. با گسترش امور مذهبی مسلمانان، چنین انگیزه‌هایی جایگاه و اهمیت جامع بصره را دو چندان نمود.

کارکردهای جامع بصره

یک. کارکرد سیاسی

شکی نیست که مبانی سیاسی دین اسلام از مسجد آغاز شده است. از این‌رو طبیعی بود که کارایی سیاسی از مهم‌ترین کارکردهای مسجد باشد. این مسئله در زمان پیامبر ﷺ مورد تأکید بیشتری بود و بر همین اساس آن حضرت پس از بنیان‌گذاری نظام اسلامی، مسجد را به‌عنوان پایگاه حکومت و نهاد سیاسی اسلام برگزید. به همین طریق در جامعه شهری اسلام، مساجد جامع مکانی برای اجتماع حاکمان و مردم در مراسم عبادی و سیاسی در جمعه هر هفته محسوب می‌شد؛ زیرا مسجد جامع، بهترین جایگاه را برای فعالیت‌های سیاسی و اعمال سیاست‌های مذهبی حکومت فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، حضور مردم و بزرگان شهر در آن، بهترین نشانه وفاداری به حکومت تلقی می‌گردید. از این نظر مهم‌ترین شاخصه جامع بصره همانا نقش سیاسی بود که آن را از مساجد دیگر متمایز می‌ساخت. اگر به‌خاطر بیاوریم که بصره محل اسکان قومیت‌های مختلف اسلامی، به‌خصوص موالی و تازه‌مسلمانان غیر عرب بود، این کارکرد وجهه بیشتری می‌یابد. وابستگی سیاسی حکومت به این مسجد، جایگاه آن را به‌مثابه رسانه‌ای قوی در خدمت اهداف حکومت اسلامی تثبیت می‌کرد. در بیشتر موارد احکام انتصاب حاکمان جدید، فتح‌نامه‌ها، عهدنامه‌ها و منشورات حکومتی در جامع بصره به آگاهی مردم رسانده می‌شد. نقش جامع بصره به‌عنوان رسانه‌ای سیاسی تنها جنبه حکومتی نداشت و بسیاری از مطالبات سیاسی و اجتماعی مردم و اعتراض‌های فردی و گروهی از مجرای این رسانه صورت می‌گرفت.

جامع بصره شاهد دوره‌های مهم سیاسی، عقیدتی و نظامی در تاریخ اسلام بوده که به‌تفصیل

در متون تاریخی آمده است. در این مسجد، امور سیاسی حکومت مانند معرفی خلیفه، مراسم بیعت - مانند بیعت مردم بصره با طلحه و زبیر در جریان جنگ جمل^۱ - عزل و نصب استانداران و کارگزاران، قرائت عهدنامه‌ها، اعلان‌های حکومتی، استماع سخنان امیران و خطیبان و گزارش اعمال والیان و حاکمان انجام می‌شد. بنابه روایات تاریخی، پس از جنگ جمل علی بن ابی‌طالب علیه السلام فرمان داد تا مردم برای نماز جماعت سه روز در جامع بصره جمع شوند.^۲ امام علی علیه السلام با این کار قصد داشت ضمن سخن گفتن و اعلان مواضع خود برای مردم بصره، از اطاعت آنان نسبت به خویش اطمینان پیدا کند. همچنین خطبه معروف آن حضرت در مورد مردم این شهر پس از جنگ جمل در همین مسجد جامع بیان گردید.

ای مردم بصره! ای سپاه زن و پیروان چهارپا! درباره من چگونه فکر می‌کنید؟ تا هنگامی که شتر نعره می‌زد، پیکار می‌کردید و چون از پای درآمد، گریختید. اخلاق شما پست و پیمان شما ناپایدار و آب شما شور و تلخ است. سرزمین شما به آب نزدیک و از آسمان دور است. به خدا سوگند روزی خواهد رسید که این شهر را چنان آب فرو گیرد که فقط کنگره‌های مسجد آن چون سینه کشتی از دریا دیده شود.^۳

رویداد سیاسی مهم دیگر در جامع بصره، پرتاب ریگ و شن جمعی از مردم بصره به سوی زیاد بن ابیه هنگام ایراد خطابه سیاسی می‌باشد. این کار به مثابه اعتراض آنها بر انتصاب زیاد به عنوان حاکم بصره بود. هرچند این امر سودی نداشت، اما مهم‌ترین دستاورد آن این بود که زیاد بن ابیه دستور داد سطح مسجد را کاملاً سنگفرش کنند تا دیگر نمازگزاران در حین اعتراض نتوانند ریگ و شن پیدا کنند.^۴

یکی دیگر از حوادث مهم جامع بصره در دوره امویان، کشتار مردم بصره توسط حجاج ثقفی است. زمانی که حجاج زمامداری بصره را برعهده گرفت، در خطبه مشهور خود در مسجد جامع به مردم گفت: «سرهایی می‌بینم که رسیده است و وقت چیدن آنها فرا آمده است!» و به دنبال آن کشتار شدیدی صورت گرفت.^۵

۱. همان، ص ۱۸۰.

۲. ماوردی، آیین حکمرانی، ص ۱۵۵.

۳. دینوری، اخبار الطوال، ص ۱۸۹.

۴. طبری، تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۶۷۸.

۵. دینوری، الامامة والسیاسة، ج ۲، ص ۴۰.

دو. کارکرد قضایی

قضاوت در مساجد جامع از پیشینه‌های قوی برخوردار است. ابتدا خود پیامبر ﷺ از مسجد برای داوری و قضا استفاده کرد. امیرمؤمنان علی رضی الله عنه نیز در مسجد جامع بصره و کوفه به قضاوت می‌پرداخت. از این رو در کنار جایگاه سیاسی جامع بصره، کارکرد قضایی از مهم‌ترین اموری بود که در آن انجام می‌شد. این مسجد تنها جنبه مذهبی نداشت، بلکه تا مدت درازی محل نشستن قاضیان و داوری میان متخاصمان بود. قضاوت‌های کعب بن سور، قاضی بصره در زمان علی رضی الله عنه در این مسجد انجام می‌شد.^۱ اصولاً امور اداری، مالی و قضایی مردم بصره در همین مسجد جامع رسیدگی می‌شد؛ ولی پس از مدتی با توسعه وظایف حکومت، بسیاری از امور اداری و سیاسی به دارالخلافه‌ها و دیوان‌ها منتقل شد. گفته شده است که امر قضاوت در این مسجد بیشتر پیرامون شکایات تازه‌مسلمانان در مقابل تبعیض‌ها و عدم اجرای عدالت و مساوات اسلام بود که از سوی امویان بر آنها اعمال می‌شد. با این حال، جامع بصره تا قرن‌ها بعد همچنان در امور قضایی فعال بود. قاضیانی که در این مسجد امر قضا را برعهده می‌گرفتند، لقب «قاضی مسجد» داشتند. آنها دعاوی مالی کمتر از ۲۲۰ دینار را حل و فصل می‌کردند.^۲

سه. کارکرد آموزشی

در آغاز شکل‌گیری دین اسلام، مسجد اصلی‌ترین و رسمی‌ترین مرکز علمی و آموزشی مسلمانان به حساب می‌آمد. بنابراین مساجد جامع را باید کهن‌ترین و در عین حال پیشروترین نهاد آموزشی در تعلیمات عالی علوم در تمدن اسلامی دانست. تنها پس از پیدایی و گسترش مدارس در سرزمین‌های اسلامی بود که فعالیت‌های آموزشی مساجد جامع به تدریج رو به کاستی گذاشت. تا نیمه قرن دوم هجری، جامع بصره همراه با مسجد جامع کوفه، در آموزش علوم اسلامی به‌ویژه در میان تازه‌مسلمانان و تربیت شخصیت‌های علمی و ادبی نقش زیادی داشت؛ به‌خصوص در دوره عمر بن عبدالعزیز که حلقه‌های درسی استادان و طلاب در جامع بصره افزایش چشمگیری پیدا کرد.^۳ بعدها این جایگاه، به جامع‌های بغداد، دمشق و فسطاط انتقال یافت. اهتمام بزرگ مسجد بصره، آموزش زبان عربی برای تازه‌مسلمانان جهت درک معانی قرآن و علوم وابسته به آن بود.

۱. دینوری، اخبار الطوال، ص ۱۸۰.

۲. ماوردی، آیین حکمرانی، ص ۱۵۵.

۳. ناجی و المبارک، من مشاهیر اعلام بصره، ص ۱۷.

تا آنجا که اشارات تاریخی و دینی نشان می‌دهند، رونق محفل علمی جامع بصره نتایج ارزشمندی برای تازه‌مسلمانان داشت. در واقع مهم‌ترین و بیشترین کارایی مسجد بصره، آموزش علوم اسلامی برای تازه‌مسلمانان و موالی بود. محافل درسی هر استاد با نام‌های «حلقه» و «مجلس» به‌طور ثابت در قسمت خاصی از جامع برگزار می‌گردید و از آن با عنوان «زاویه» یاد می‌شد.^۱ بعضی از این زوایا - مانند زاویه شافعی - موقوفات خاص خود را داشت و تدریس در آنها برای استادان مایه افتخار بود. در این مسجد بیش از ۹۰۰ حلقه درس تشکیل می‌شد که تعداد زیادی از صحابه و تابعین در آن به فراگیری علوم می‌پرداختند.^۲

از غنای فرهنگ علمی و آموزش جامع بصره، مکاتب و مذاهب اسلامی مختلف همچون معتزله، اشعریه و متصوفه پا به عرصه وجود نهادند و علمای بزرگی در رشته‌های تفسیر، فقه، نحو، صرف، علم کلام، تاریخ، سیر، لغت و ادب از آن بیرون آمدند. این مسجد ۱۸۰۰۰ طلبه داشت و ۱۴۰۰۰ محل برای نگهداری چارپایان طلاب و نمازگزاران ایجاد کرده بودند.^۳ علاوه‌براین، به‌دلیل جامعیت مسجد بصره و تشکیل حلقه‌های درسی در آن و نیز وجود مکتب‌های فکری، کلامی، نحوی و ادبی در این شهر، بصره لقب «خزانة اسلام» داشت.^۴

نخستین حلقه درسی که در جامع بصره تشکیل شد، حلقه درس جعفر بن ابوالحسن بود.^۵ گروه‌های تدریس افرادی چون ابوالاسود دوئلی، انس بن مالک انصاری، عمران بن حصین، عمر بن عبید، واصل بن عطا معتزلی، حسن بصری، ابن‌سیرین، ابوعبیده معمر بن المثنی، خلیل بن احمد الفراهیدی، سیبویه، المازنی، المبرد و الجاحظ نیز جزو مشهورترین حلقه‌های درسی بودند.^۶ در ادامه در قسمت شخصیت‌های علمی جامع بصره، به شخصیت علمی و مذهبی برخی از این افراد اشاره شده است.

شهر بصره در دوره امویان به‌خاطر وجود مسجد جامع و آموزش علوم در آن، از جایگاه ویژه‌ای به‌لحاظ علمی و فرهنگی برخوردار بود. در این دوره، جامع بصره یکی از کانون‌های اصلی مراکز علوم

۱. ماوردی، آیین حکمرانی، ص ۳۷۹.

۲. غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۵۹.

۳. ماوردی، آیین حکمرانی، ص ۳۸۴.

۴. غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۶۵.

۵. ماوردی، آیین حکمرانی، ص ۳۸۰.

۶. ناجی، اسهامات مورخی البصره فی کتابة التاریخیه حتی القرن الرابع الهجری، ص ۲۹.

اسلامی محسوب می‌شد که طلاب از دور و نزدیک برای کسب علم به بصره می‌آمدند.^۱ به‌همین دلیل شهر بصره یکی از مراکز اصلی فقه، کلام و آموزش زبان عربی به‌شمار می‌رفت. به‌دستور عبیدالله بن زیاد که حاکم بصره بود، قرآن در همین مسجد، توسط کاتب او یعنی یزید فارسی نگارش گردید.^۲ سپس در زمان حاکمیت حجاج ثقفی بر بصره، کلمات قرآن شمارش شد. حجاج از پنج تن از قاریان بصره (حسن بصری، ابوالعالیه، نصر بن عاصم، عاصم جعدری و مالک بن دینار) خواست تا کلمات و حروف قرآن را شمارش کنند. به گزارش و شمارش این افراد، قرآن شامل ۷۷ هزار و ۴۳۹ کلمه و ۸۲۳ هزار و ۱۵ حرف است. همچنین در این دوره، قرآن را به حزب‌هایی تقسیم کردند که آن را به حجاج بن یوسف نسبت می‌دهند.^۳ حتی خود حجاج را به واسطه غنای آموزش علوم در جامع بصره، معلم مکتب می‌گفتند.^۴ هرچند حجاج پیش از والی‌گری بصره، به این عنوان ملقب بود.

چهار. کارکرد تربیتی

بنابه قرائن و شواهد تاریخی، جامع بصره در دوره زمانی اواخر قرن اول تا پایان سده سوم هجری (درخشان‌ترین روزگار تعلیم و تربیت اسلامی) از مراکز اصلی تعلیمات اسلامی محسوب می‌شد.^۵ در این دوران این مسجد نقش بسیار مهمی در اشاعه علوم و آموزه‌های تربیتی برای مردم بصره و طالبان علم داشت. خطبه‌های اخلاقی امام علی علیه السلام برای مردم بصره در جامع این شهر (حادثه جنگ جمل) از بارزترین تعلیمات تربیتی و تاریخی آن دوران است.^۶ تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان در کنار آموزش علوم تخصصی از اهداف اصلی علما و آموزگاران در جامع بصره به‌شمار می‌رفت. از این دیدگاه، اولین حوزه علمی و تربیتی اسلامی عراق، در مسجد جامع بصره شکل گرفت.^۷ در جامع بصره با آموزش قرآن و حدیث، بر جنبه‌های اخلاقی زندگانی دنیوی و اخروی تأکید می‌شد. بنابه روایت صحیح بخاری، در جامع بصره

۱. همان، ص ۲۹ - ۲۷.
۲. سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۱، ص ۳۶.
۳. همان، ص ۳۷.
۴. ناجی و المبارک، من مشاهیر اعلام بصره، ص ۱۸.
۵. ناجی، اسهامات مورخی البصره فی کتابه التاريخیه حتی القرن الرابع الهجری، ص ۳۳ - ۲۹.
۶. دینوری، اخبار الطوال، ص ۱۸۹.
۷. ناجی، اسهامات مورخی البصره فی کتابه التاريخیه حتی القرن الرابع الهجری، ص ۳۰.

صورت‌های حلقه‌مانند صحابه و تابعین در حوزه تربیت و اخلاق شدت و رواج بیشتری داشت.^۱ همین امر تعلیم حلقه‌ای طلاب را به یک سنت اسلامی در تعلیم و تربیت تبدیل کرد.

پنج. کارکرد اجتماعی

بارزترین شاخصه جامع بصره مانند دیگر مساجد جامع، در حوزه اجتماعی بود. این مسجد برای تعاون اجتماعی تازه‌مسلمانان و مشارکت آنها در رفع نارسایی‌های اجتماعی شهر بصره و مناطق آن (با توجه به جدیدالتأسیس بودن بصره) جایگاهی اصیل به‌شمار می‌رفت و کانون حاکمیت ارزش‌های اجتماعی اسلامی مانند تقوا، جهاد، مساوات و عدالت محسوب می‌شد. ابن‌سعد در *الطبقات الکبری* آورده است که پس از تشریح اذان، مردم بصره را با ندای «الصلاة جامعه» به مسجد برای امور مهم فرا می‌خواندند.^۲ در بعد عدالت اجتماعی، جامع بصره همواره مرکز مبارزه با ستم و نابرابری اجتماعی و به‌خصوص کانون مقابله با ستم بر اهل بیت پیامبر ﷺ بود و در همبستگی و اتحاد مسلمانان با توجه به گسترش دین اسلام در مناطق مفتوحه تأثیر بسیاری داشت. بسیاری از عهدنامه‌های اجتماعی مردم بصره در مسجد جامع تبیین می‌گردید. حتی برخی رسومات اجتماعی در این مسجد برگزار می‌شد و به همین طریق صحابه، تابعین و علمای بزرگ با مردم در مسائل مختلف به گفتگو و مذاکره می‌نشستند.^۳ در این میان یکی از ویژگی‌های جامع بصره این بود که خزانه بیت‌المال هم محسوب می‌شد و غنائم جنگی، نقود مالیات و زکات مسلمانان در آن حفظ می‌گردید. در واقع جامع بصره علاوه بر مرکزیت سیاسی، قضایی و آموزشی، امانتدار ثروت عمومی شهر بصره نیز بود.

شش. تبلیغ مذهب تشیع

جایگاه و نقش جامع بصره در اشاعه و توسعه باورهای اعتقادی شیعه را با توجه به حضور ایرانیان و تازه‌مسلمانان در شهر بصره نباید نادیده گرفت. ابوعبیدالله احمد بن عیسی (از نوادگان امام علی علیه السلام)، از جمله افاضل و فقهای شیعی در جامع بصره بود که در گسترش حدیث و روایات شیعی اهتمام زیادی داشت.^۴ پیروزی امام علی علیه السلام در جنگ جمل و ورود آن حضرت به مسجد جامع و ایراد

۱. بخاری، *الجامع الصحیح*، باب العلم، ج ۱، ص ۴۷.

۲. واقدی، *الطبقات*، ج ۷، ص ۷.

۳. ناجی، *اسهامات مورخی البصره فی کتابة التاریخیه حتی القرن الرابع الهجری*، ص ۲۸.

۴. ناجی و المبارک، *من مشاهیر اعلام بصره*، ص ۲۹.

خطبه معروف درباره مردم بصره، سبب گردید تا بصره به دلیل نقش و خدمات مسجد جامع آن، یکی از مهم‌ترین مراکز تشیع گردد؛ چنان که وقتی معاویه، عبدالله بن خضرمی را به‌عنوان والی به بصره فرستاد، مردم بصره ضمن اجتماع و تصمیم‌گیری در مسجد جامع، او و همراهانش را در کاخی که منزل کرده بودند، آتش زدند. این در واقع نخستین قیام شیعیان در بصره علیه بنی‌امیه بود.^۱ تمام تلاش‌ها و فعالیت‌های شیعیان بصره علیه بنی‌امیه از مسجد جامع نشئت می‌گرفت که آن را کانون اجتماعی و عبادی در راستای تحقق عدالت و احقاق حقوق اهل‌بیت می‌دانستند.

علوم آموزشی در جامع بصره

یک. قرآن کریم

جامع بصره همانند مساجد کوفه، مدینه و نیز مکه در بهره‌گیری از علوم اسلامی و گسترش آن فعالیت زیادی داشت. در واقع شهر بصره اولین شهر اسلامی در عراق بود که بیشتر قاریان و حافظان قرآن از مسجد جامع آن برخاستند. معروف است که خلیفه سوم یکی از مصاحف چهارگانه قرآن را به جامع بصره فرستاد.^۲ بنابراین قرآن و احکام آن از اولین آموزه‌های واجب بود که قبل از هر علم دیگری، طلاب آنها را می‌آموختند. با توجه به اینکه بصره شهری نوین بود و بیشتر جمعیت آن را مولی و تازه‌مسلمانان تشکیل می‌دادند، آموزش قرآن و احکام اسلام به تازه‌مسلمانان از اهداف اصلی خلفا در جامع بصره محسوب می‌شد. به همین خاطر فرستادن برخی صحابه و قاریان به بصره جهت آموزش، سرلوحه کار خلفا قرار گرفت. خلیفه دوم افرادی مانند ابوموسی اشعری را به بصره فرستاد^۳ که جزو قاریان برتر محسوب می‌شد و مصحف او بین اهالی بصره معروف بود.^۴

دو. حدیث و فقه

پس از قرآن کریم، مهم‌ترین شاخه علوم اسلامی که در جامع بصره مورد توجه قرار گرفت، علم حدیث بود. در واقع شهر بصره از جمله شهرهایی بود که طلاب برای جمع‌آوری یا فراگرفتن احادیث به این شهر می‌آمدند. حلقه درسی حدیث را نخستین بار، عمران بن حصین تشکیل داد.^۵

۱. صدر حاج سید جوادی و دیگران، *دائرةالمعارف تشیع*، ج ۳، ذیل بصره.

۲. ناجی، *اسهامات مورخی البصره فی کتابة التاریخیه حتی القرن الرابع الهجری*، ص ۴۵.

۳. دینوری، *اخبار الطوال*، ص ۱۵۰.

۴. واقدی، *الطبقات*، ج ۷، ص ۳۴۴.

۵. ناجی و المبارک، *من مشاهیر اعلام بصره*، ص ۱۸.

او از طرف خلیفه دوم به بصره آمد تا به مردم فقه بیاموزد. از این رو همواره در مسجد حضور می‌یافت و مجلس درس داشت. حسن بصری نیز حدیث را قرائت می‌کرد. او بهترین شیوه را در آموزش حدیث اعمال می‌نمود.^۱

در علم حدیث، شعبه بن الحجاج از نخستین کسانی بود که در جامع بصره احادیث را نظم بخشید. نام کتاب او *غرائب احادیث شعبه* نام داشت.^۲ همچنین سعید بن ابی عروب که از بزرگ‌ترین محدثان عصر خود در بصره بود، کتابی به نام *تحریر المناسک* درباره حدیث نوشت که با ترتیب و نظم برای طلاب تدریس می‌شد.^۳ در کنار حدیث، فقه نیز مورد توجه بود. در این باره ابوموسی اشعری فعالیت زیادی داشت. در اصل او از طرف خلیفه دوم به جامع بصره آمده بود تا قرآن و فقه را به طالبان علوم اسلامی آموزش دهد.

سه. علم نحو

یکی دیگر از علومی که به‌طور خاص در بصره مورد توجه قرار گرفت، علم نحو بود. چنان‌که اشاره شد، بیشتر جمعیت بصره را موالی و افراد غیر عرب مانند ایرانیان تشکیل می‌دادند. بنابراین آموزش درست تبیین عربی به غیر عربان و سهولت یادگیری قرآن و علوم اسلامی با روش اصولی و هدفمند، ضروری به‌نظر می‌رسید. از همین رو ابوالاسود دوئلی با وضع علم نحو این مشکل را برطرف کرد. علم نحو در واقع قواعد و ساختار زبان عربی است. مورخان عموماً اتفاق دارند که ابوالاسود دوئلی (م. ۶۹ ق) علم نحو را با فراگیری از علی ابن ابی‌طالب علیه السلام وضع کرد.^۴ وی از بزرگان تابعین و از صحابه امام علی علیه السلام بود. پس از آن به بصره آمد و با زبان سریانی آشنا شد، تا اینکه قواعد نحو را فرا گرفت و در توسعه آن از جامع بصره تلاش زیادی کرد. پس از مدتی در زمان حکمرانی زیاد بن ابیه بر بصره، علم نحو توسط ابوالاسود و با تربیت شاگردانی مانند عطا بن ابی‌الاسود، یحیی بن یعمر عدوانی، میمون الاقرن و عنبسه بن فیل^۵ گسترش یافت. بنابراین اگر ابوالاسود دوئلی را واضع علم نحو دانسته‌اند، جامع بصره را باید خاستگاه علم نحو بدانیم.

۱. واقدی، *الطبقات*، ج ۷، ص ۲۶۱.

۲. همان، ص ۲۹۱.

۳. سزگین، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ج ۱، ص ۱۳۳.

۴. غنیمه، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ص ۶۲.

۵. حموی، *معجم الادبا*، ج ۲، ص ۶۳۷.

چهار. علم کلام

مهم‌ترین تحولی که در علوم آموزشی جامع بصره، پیرو کشاکش مذهبی خوارج و دیگر گروه‌های مذهبی به‌خصوص شیعه برای نخستین بار ایجاد شد، پیدایش علم کلام بود. فرقه‌های مرجئه، معتزله و قدریه در نتیجه شدت آموزش، مباحثه و مشاجره بر سر باورهای اعتقادی اسلامی میان طلاب و استادان در همین جامع بصره به‌وجود آمد. در واقع آزادی بحث و تساهل اسلامی زمینه‌ساز چنین فرقه‌هایی گردید که بعدها برای خود طرف‌دارانی پیدا نمودند.

واصل بن عطا را مؤسس علم کلام در جامع بصره می‌دانند.^۱ او از شاگردان حسن بصری بود که در مباحثه مرتکبین گناهان کبیره با استاد اختلاف پیدا کرد و از او جدا شد. سپس با همراهی عمرو بن عبید یکی دیگر از شاگردان حسن بصری، گروه معتزله را شکل دادند.^۲ معتزله در تاریخ کلام اسلامی دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ زیرا عقاید اسلامی را در چارچوب مبانی فلسفی مطرح کردند.^۳ ظهور و شکل‌گیری فرق مختلف مذهبی اسلامی در بصره را باید ناشی از کیفیت بالای مباحثات و نظریه‌های اعتقادی در مسجد جامع آن دانست. گذشته از این، شهر بصره نیز به‌دلیل تنوع جمعیتی، پذیرای عقاید و افکار مختلف اسلامی بود.

آموزش و تبلیغ در جامع بصره تنها در علوم مذکور نبود، بلکه در زمینه تاریخ، جغرافیا، علم انساب، عروض، شعر و لغت عرب هم حلقه‌های درسی برگزار می‌شد؛ به‌طوری‌که توسعه این علوم بعدها در دوره عباسیان بیشتر ناشی از مبانی آموزشی آنها در مسجد جامع بصره بود.

تقابل جامع بصره و جامع کوفه (تأثیر و تأثر)

اهمیت و جایگاه مسجد جامع بصره در توسعه علوم اسلامی زمانی مشخص می‌شود که ما میزان اعتبار آن را در مقایسه با مساجد جامع هم‌زمان خود (قرون اولیه اسلام) مورد سنجش قرار دهیم. در این راستا مسجد جامع کوفه گزینه مناسبی است که عیار کارکرد و در واقع میزان تأثیر و تأثر جامع بصره را روشن سازد؛ زیرا شهر کوفه و جامع آن، مانند شهر بصره تازه‌تأسیس بود و علما و فقه‌های بسیاری در آن حضور و تدریس داشتند. جالب این است که در کوفه حضور تازه‌مسلمانان و موالی هم قابل‌توجه بود. از طرف دیگر بنابه روایات متون تاریخی بیشتر علما، فقها و محدثان

۱. ناجی، *اسهامات مورخی البصره فی کتابة التاریخیه حتی القرن الرابع الهجری*، ص ۲۹.

۲. حموی، *معجم الادبا*، ج ۲، ص ۱۱۹۸.

۳. وات، *فلسفه و کلام اسلامی*، ۷۵.

تربیت یافته مسجد جامع کوفه و بصره بودند.^۱ بنابراین در آموزش و تدریس علوم اسلامی و همین طور در مسائل سیاسی با توجه به کارکرد سیاسی مساجد جامع، نوعی رقابت علمی و فکری ایجاد می شد که بسته به جایگاه علما، مردم آن شهرها نیز به یک سمت وسو گرایش پیدا می کردند. از لحاظ سیاسی، علما و فقهای جامع بصره از آغاز خلافت امام علی علیه السلام در مقابل علمای جامع کوفه قرار گرفتند؛ از این جهت که این مسجد محل اجتماع و کانون طرفداران عثمان به بهانه خون خواهی او شده بود که علما و مردم را به ایجاد فتنه علیه امام علی علیه السلام تحریک می کردند. در واقع تفکر عثمانی در بصره با تفکر علوی در کوفه مبارزه می کرد که تقابل علما و محدثان این دو اندیشه بود. در این تقابل اگرچه در وهله اول غلبه با تفکر عثمانی ها بود، تا جایی که بصره جزو شامات به حساب می آمد، اما تلاش و اعتبار علمای علوی که در جامع بصره تدریس یا حضور داشتند، باعث شد که به تدریج جامع بصره محل تبلیغ تشیع گردد و علمای مشهوری در فقه و نحو مانند ابوالاسود الدؤلی آوازه جهان اسلام شوند. بنابراین در تقابل سیاسی، جامع بصره بیشتر از جامع کوفه در گسترش اندیشه های علوی و اسلامی تأثیر داشت.

از دیدگاه ادبی و علمی، رقابت مکتب بصره و مکتب کوفه زبانزد طلاب و مردم شهرها بود. این دو مکتب در واقع در مساجد جامع این دو شهر شکل گرفت و بسط یافت. مکتب کوفه در شعر غنای بیشتری داشت که نماینده معروف آن متنی بود. اما مکتب بصره در نثر بدون رقیب بود و جاحظ را می توان نماینده این مکتب نام برد.^۲ مورخین - حتی مخالفین شیعه - نقش تشیع را در این دو مکتب انکار نکرده اند. البته ایرانی ها نیز سهم مؤثری در تأسیس و پیشرفت این دو مکتب داشتند. بنابه نقل متون تاریخی، جامع بصره در رقابت با جامع کوفه مهم ترین پایگاه آموزشی قرآن، فقه و حدیث محسوب می شد. افرادی در دامن جامع بصره پرورش یافتند که هر یک منشأ اثر بودند و نقش برجسته ای در تحکیم و توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی داشتند. به باور جرجی زیدان، بصره از لحاظ علمی و ادبی از کوفه جلوتر بود و مردم کوفه از مردم بصره اقتباس می کردند؛ اما مردم بصره مطالب کوفیان را به دلیل محقق نبودن آموخته هایشان، قبول نمی کردند.^۳ مهم ترین تأثیر جامع بصره را می توان در علم کلام و نحو دانست. در واقع تساهل و آزادی اندیشه اسلام در مسجد جامع بصره با مباحثات علمی و فقهی که میان طلاب و علما صورت می گرفت،

۱. ناجی و المبارک، من مشاهیر اعلام بصره، ص ۱۷.

۲. ناجی، اسهامات مورخی البصره فی کتابة التاریخیه حتی القرن الرابع الهجری، ص ۲۹.

۳. جرجی زیدان، تاریخ اسلام، مجموعه تواریخ کمبریج، ص ۴۸۱.

بیشتر از جامع کوفه بود. به همین خاطر علاوه بر پیدایش کلام و علم نحو در جامع بصره، نخستین فرقه‌های کلامی هم در این مسجد شکل گرفت.

بنابراین با توجه به مطالب فوق‌الذکر و همین‌طور کارکردها، به نظر می‌رسد تأثیر جامع بصره در تقابل با مسجد جامع کوفه بیشتر است و علما و فقهایی که در مسجد جامع تدریس می‌کردند، اعتبار و جایگاه بهتری در میان مسلمانان نسبت به علمای جامع کوفه داشتند. تعدد حلقه‌ها و زوایای درسی طلاب که در جامع بصره شکل می‌گرفت و ماوردی ارقام آن را ذکر کرده است،^۱ به‌روشنی بر اهمیت و تأثیر جامع بصره تأکید دارد. به‌دلیل همین تأثیر و جامعیت جایگاه مسجد بصره بود که در تقابل با جامع کوفه، لقب شهر بصره را «خزانه اسلام» نهادند.^۲

شخصیت‌های علمی - فقهی جامع بصره

همان‌طور که اشاره شد، بیشتر علمای علم و ادب نخستین اسلام، تربیت‌یافته مساجد جامع بصره و کوفه بودند. محقق مشهور عبدالجبار ناجی در دو کتاب مفید *اسهامات مورخی البصره فی کتابه التاريخیه حتی القرن الرابع الهجرى و من مشاهیر الاعلام البصره* که هر دو به زبان عربی است، به‌اختصار و مشروح به معرفی علمای شهر بصره که در مسجد جامع آن به آموزش و تدریس علوم و فرهنگ اسلامی می‌پرداختند، پرداخته است. تصویر جلد کتاب اخیر جالب توجه می‌باشد که نویسنده مسجد جامع را منشأ تعلیم و تربیت علما و طلاب می‌داند. از مهم‌ترین شخصیت‌های علمی که در جامع بصره نشو و نما کردند و به تدریس و تربیت شاگردان ممتازی در عرصه علوم اسلامی پرداختند، می‌توان افراد ذیل را نام برد:

یک. اندیشمندان فقه، تفسیر و حدیث

۱. **عمران بن حصین**: نام او ابن عبید بن خلف و کنیه‌اش ابونجید بود. در پاره‌ای از جنگ‌ها همراه رسول خدا ﷺ شرکت داشت. هنگامی که بصره تأسیس گردید، به دستور خلیفه دوم برای آموزش فقه به بصره آمد و در آنجا ساکن شد.^۳ عمران بن حصین در مسجد جامع بصره بر ستونی تکیه می‌کرد و حدیث می‌گفت؛ مردم و طلاب دور او حلقه می‌زدند و از او حدیث می‌آموختند.^۴

۱. ماوردی، *آیین حکمرانی*، ص ۳۸۴.

۲. غنیمه، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ص ۶۵.

۳. ناجی، *اسهامات مورخی البصره فی کتابه التاريخیه حتی القرن الرابع الهجرى*، ص ۲۸.

۴. واقدی، *الطبقات*، ج ۴، ص ۲۶۵.

عمران بن حصین پیش از ابوالاسود دؤلی در بصره حضور داشت و هنگام غیبت ابوموسی اشعری در تدریس فقه، جانشینی وی را عهده‌دار بود.^۱

۲. **حسن بصری:** یکی از برجسته‌ترین و فصیح‌ترین استادان جامع بصره، حسن بصری بود که در سال ۱۱۰ قمری از دنیا رفت. او را در علم فقه و حدیث، شیخ بصره می‌گفتند.^۲ وی در این مسجد حلقه درس داشت و حدیث و کلام تدریس می‌کرد.^۳ حسن در جامع بصره پایه‌های تصوف اسلامی مبتنی بر زهد را استحکام بخشید و شاگردان او چون واصل بن عطا و عمرو بن عبید که از بنیان‌گذاران مذهب معتزله بودند، در این مسجد پرورش یافتند. منصور حلاج نیز تربیت‌یافته همین مکتب بود. کتاب *العدد حسن وی*، کهن‌ترین کتابی است که درباره شمارش آیات قرآن است و همچنین کتاب تفسیر او که عمرو بن عبید معتزلی از آن روایت کرده است، از فعالیت‌های علمی حسن در مسجد جامع بصره به‌شمار می‌رود.^۴

۳. **ابن سیرین:** ابوبکر محمد در سال ۳۱ ق در بصره به دنیا آمد. چون مولای انس بن مالک بود، با پرداختن ۲۰۰۰ درهم خود را آزاد کرد.^۵ به همین خاطر او را موالی انس می‌خواندند. ابن سیرین یکی از مشاهیر اهل علم و ادب بصره می‌باشد. او در مسجد، حدیث املا می‌کرد و شاگردان می‌نوشتند. ابن سیرین اشکالی در نوشتن حدیث نمی‌دید، اما به شاگردان خود توصیه می‌کرد که پس از حفظ کردن حدیث، آن را محو کنند. او به احادیث پیامبر بسیار علاقه داشت؛ به طوری که می‌گفت اگر قرار بود کتابی برای خود انتخاب کنم، همانا «رسائل النبی» را برمی‌گزیدم.^۶ همچنین او در تعبیر خواب بسیار مشهور بود و مردم برای تعبیر خواب‌های خود به او رجوع می‌کردند. در این باره داستان‌های زیادی از او نقل شده است. ابن سیرین با حکومت اموی میانه خوبی نداشت؛ تا جایی که از پذیرفتن منصب قضایی بصره در زمان عمر بن هبیره که والی بصره بود، امتناع کرد. به همین دلیل بصره را ترک کرد.

۴. **عبدالله بن عباس:** بنابه روایت واقدی، نخستین کسی که در بصره مشهور و نام‌آور شد، عبدالله بن عباس بود. او مردی سخنور و ادیب محسوب می‌شد؛ به طوری که سوره بقره را خواند و

۱. بلاذری، *فتوح البلدان*، ص ۵۲۶.

۲. ناجی، *اسهامات مورخی البصره فی کتابة التاریخیه حتی القرن الرابع الهجری*، ص ۲۸.

۳. ثقفی کوفی، *الغارات*، ص ۴۰۹.

۴. سزگین، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ج ۱، ص ۶۷.

۵. دینوری، *المعارف*، ص ۴۴۲.

۶. واقدی، *الطبقات*، ج ۷، ص ۲۰۵.

آیه آیه را تفسیر کرد.^۱ ابن عباس همانند ابوسعید یسار بصری، حبر الامت (دانشمند امت) یا بحر الامت (اشاره به علم زیادش از حدیث) بصره بود. در واقع او از بزرگ‌ترین محققان نسل اول امت اسلامی به‌شمار می‌رود که پدر علم تفسیر قرآن است.^۲ با پیدا شدن ضرورت نوشتن قرآن، ابن عباس یکی از مهم‌ترین کاتبان قرآن بود که مأمور به انجام این کار گردید. او پس از جنگ جمل در سال ۳۶ قمری، والی بصره شد.^۳ ابن عباس در همه نبردهای علی بن ابی‌طالب علیه السلام با وی همراه بود و پس از شهادت آن حضرت نیز حاکم بصره بود.

۵. **ابوموسی اشعری:** ابوموسی اشعری از قاریان و حافظان قرآن به‌شمار می‌رود که به او لقب مزماری یا مزامیری داده‌اند.^۴ او در زمان خلیفه دوم برای آموزش فقه به دستور خلیفه به بصره آمد. ابوموسی صحیفه‌ای (لباب القلوب) داشت که آیات و سوره‌های قرآن را در آن جمع کرده بود و در دوران حکومتش در بصره آن را رواج داد.^۵ او به علم حدیث و فقه آگاه بود. ابوموسی در جامع بصره درس می‌داد و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. سعید بن جبیر و ابراهیم نخعی از جمله شاگردان او بودند که در کوفه از فقیهان بزرگ محسوب می‌شدند.

۶. **ابوسعید حسن بن یسار بصری:** ابوسعید در سال ۲۱ قمری در مدینه متولد شد و سپس در بصره اقامت گزید. او مدتی کاتب ربیع بن زیاد در خراسان و مدتی هم کاتب انس بن مالک در شاپور بود.^۶ ابوسعید از بزرگان و تابعین اهل بصره در حدیث محسوب می‌شد و در عصر خویش «حبر الامت» (عالم امت) به‌شمار می‌رفت. او چنان دارای هیبت بود که حماد بن زید می‌گوید: چهار سال با حسن مجالست کردم، از هیبت او هیچ چیز نتوانستم پرسیم.^۷ حلقه درس او شلوغ بود و هر کس می‌توانست در آن شرکت کند؛ چنان که خودش می‌گفت: گروهی در حلقه ما می‌نشینند که از این کار، فقط دنیا را می‌خواهند.^۸ ابوسعید مردی فصیح و زاهد و عابد بود که آنچه می‌گفت، خود به‌جای می‌آورد. او در جامع بصره می‌نشست و مردم امور شرعی را از او می‌آموختند.^۹

۱. همان، ج ۲، ص ۲۸۰.

۲. ناجی، *اسهامات مورخی البصره فی کتابة التاریخیه حتی القرن الرابع الهجری*، ص ۲۸.

۳. دینوری، *اخبار الطوال*، ص ۷۹.

۴. واقدی، *الطبقات*، ج ۲، ص ۲۶۳.

۵. نویری، *نهاية الأرب فی فنون الأدب*، ج ۱۹، ص ۴۴۰.

۶. حموی، *معجم الادبا*، ج ۲، ص ۴۴۷.

۷. همان.

۸. واقدی، *الطبقات*، ج ۷، ص ۱۷۵.

۹. همان، ص ۱۶۸.

۷. ابو عبیدالله احمد بن عیسی: از نوادگان امام علی علیه السلام که از فقهای شیعی در جامع بصره بود و در تبلیغ حدیث و روایات شیعی اهتمام زیادی داشت.^۱

۸. انس بن مالک

هشام ابن حسان، جویریة بن اسماء، شعبة ابن الحجاج العتکی الازدی، سعید بن ابی عروبہ، ربیع بن حبیب البصری صاحب کتاب الجامع، ابو عبدالله یونس العبدی (از شاگردان حسن بصری)، مالک بن دینار، قتادة بن دعامة السدوسی و حماد بن السلمه از دیگر علمای مشهور جامع بصره در فقه و حدیث بودند که هریک منشأ خدمات و ثمرات در علوم و فرهنگ اسلامی شدند.^۲

دو. قاریان و حافظان قرآن

۱. نصر بن عامر: نصر بن عامر یا عاصم متولد سال ۸۹ قمری از قاریان و حافظان مشهور قرآن کریم در بصره بود که در مسجد جامع حدیث می گفت.^۳ در واقع او از محدثان بزرگ بصره در قرن دوم هجری محسوب می شد که در توسعه علم قرآن در بین تازه مسلمانان همت و فعالیت زیادی داشت.

۲. ابو عمرو بن العلاء: ابو عمرو متوفای سال ۱۵۴ قمری از قاریان مشهور بصره و یکی از قاریان هفتگانه مشهور جهان اسلام در زمان خویش به شمار می آمد.^۴ حلقه درسی ابو عمرو در جامع بصره از حلقه های چهارگانه مسجد بود که طلاب و مردم از آن بهره زیادی می گرفتند.^۵ او علاوه بر تدریس آموزش قرآن کریم، به لغت عرب و علم انساب نیز مسلط بود.

۳. یعقوب بن اسحاق الحضرمی: دوره اشتهار فعالیت علمی و قرآنی ابن اسحاق (م. ۱۹۵ ق) در جامع بصره، اواخر دوره امویان و پس از آن بود. با این حال او از قاریان و حافظان معروف شهر بصره به شمار می رفت که در جامع بصره به آموزش علوم اسلامی می پرداخت.^۶

۴. یحیی المبارک الیزیدی: وی از دیگر قاریان مشهور بصره در قرن دوم هجری است که در مسجد جامع بصره تدریس می نمود. او علاوه بر آموزش قرآن، فقه و حدیث نیز تدریس می کرد و به لغت عرب و انساب مسلط بود.^۷

۱. ناجی و المبارک، من مشاهیر اعلام بصره، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۱۷، ۴۲ و ۴۵.

۳. ناجی، اسهامات مورخی البصره فی کتابة التاریخیه حتی القرن الرابع الهجری، ص ۴۵.

۴. ناجی و المبارک، من مشاهیر اعلام بصره، ص ۱۶.

۵. ناجی، اسهامات مورخی البصره فی کتابة التاریخیه حتی القرن الرابع الهجری، ص ۲۹.

۶. ناجی و المبارک، من مشاهیر اعلام بصره، ص ۱۶.

۷. ناجی، اسهامات مورخی البصره فی کتابة التاریخیه حتی القرن الرابع الهجری، ص ۴۶.

همچنین از حافظان معروف جامع بصره باید به عیسی بن عمر ثقفی و یحیی بن عمر از شاگردان ابوالاسود دوئلی اشاره نمود که در علم حدیث و نحو نیز فعالیت می‌کردند.^۱

سه. عالمان نحو

۱. **ابوالاسود دوئلی:** ظالم بن عمرو بن سفیان دوئلی، مشهور به ابوالاسود دوئلی، یکی از یاران علی علیه السلام بود که در بصره اقامت داشت. ابوالاسود دوئلی حدود و چارچوب علم نحو را از امام علی علیه السلام در کوفه فرا گرفت و سپس در جامع بصره آن را تنظیم، تشریح و تنسیق کرد و خود منشأ توسعه و تکامل این علم شد.^۲ او در زمان خلافت امام علی علیه السلام مدتی حاکم بصره بود.^۳ روایتی از او مشهور است که گوید: علی علیه السلام صفحه‌ای به من داد که در آن نوشته بودند: کلام بر سه قسم است: اسم، فعل و حرف. بعد از این، اصول و قوانینی به من تعلیم دادند و اصل علم نحو از اینجا پدید آمد.^۴ بنابراین ابوالاسود اولین کسی بود که علم نحو را وضع کرد و شاگردان برجسته‌ای را در جامع بصره تربیت نمود.^۵

۲. **سیبویه:** هرچند عمرو بن عثمان معروف به سیبویه (م. ۱۸۳ ق) یکی از محدثان و فقیهان برجسته بصره در دوره اول عباسی محسوب می‌شود، اما پیش‌زمینه فعالیت‌های علمی اسلامی و قرآنی او در اواخر دوره اموی و در مسجد جامع بصره شکل گرفت. اگر دوئلی را واضع علم نحو می‌دانند، سیبویه را امام علم نحو می‌گویند.^۶ سیبویه بزرگ‌ترین دانشمند نحو و مؤلف اولین کتاب در زمینه صرف و نحو محسوب می‌شود. شهرت و محبوبیت کتاب سیبویه تا آنجا بود که هرگاه مردم کتاب می‌گفتند، مقصودشان کتاب نحو سیبویه بود و آن را مانند بهترین تحفه به یکدیگر هدیه می‌دادند.^۷ در دوره امین و مأمون عباسی، مجادلات علمی و ادبی سیبویه و کسای (مناظرات بصریان و کوفیان) زبانزد مردم و نوشته‌ها بود. در واقع مکتب ادبی بصره به پیشوایی سیبویه با مکتب کوفه رقابت می‌کرد. این مکتب، به مکتب بصری معروف بود و رهبر و پیشوای آن، سیبویه بود.

۱. ناجی و المبارک، من مشاهیر اعلام بصره، ص ۱۷ و ۳۲.
۲. الزرکلی، الاعلام، ج ۳، ص ۲۳۷.
۳. ثقفی کوفی، الغارات، ص ۳۵۵.
۴. همان، ص ۳۵۶.
۵. دینوری، المعارف، ص ۴۳۵.
۶. ابن کثیر، البداية و النهایه، ج ۱۰، ص ۱۷۷.
۷. جرجی زبدان، تاریخ اسلام، مجموعه تواریخ کمبریج، ص ۴۸۴.

۳. ابو عمرو بن العلاء: ابو عمرو که در قسمت حافظان قرآن به او اشاره شد، در علم نحو نیز آوازه جامع بصره بود. او از شاگردان معروف ابوالاسود دوئلی محسوب می‌شد.^۱
۴. خلیل بن احمد الفراهیدی: از مشهورترین علمای علم نحو در بصره، خلیل الفراهیدی بود که تربیت یافته ابوالاسود دوئلی در جامع بصره محسوب می‌شد.^۲ الفراهیدی در علوم لغت، عروض و انساب نیز متبحر بود.
۵. یونس بن حبيب الضمی: وی از دیگر تربیت یافتگان جامع بصره بود و در علم نحو تبحر و تخصص داشت.^۳
۶. عبدالله بن اسحاق الحضرمی: عبدالله برادر یعقوب الحضرمی (از حافظان و قاریان معروف جامع بصره) بوده است و از عالمان مشهور بصره در علم نحو محسوب می‌شد.^۴

چهار. اندیشمندان علم کلام

۱. معبد جهنی: عبدالله بن عکیم معروف به معبد جهنی از پیشتازان فرقه دینی و فلسفی قدریه یا معتزله به شمار می‌رود. او برای نخستین بار بحث قدر را در مسجد جامع بصره مطرح کرد.^۵ جهنی شاگرد عمران بن حصین بود و در دروس حسن بصری هم حضور داشت. در یکی از همین جلسات درس بود که از حسن بصری درباره قدر پرسش نمود و از همین جا مباحثه دینی و فلسفی قدریه آغاز شد.^۶
- جهنی مسئله قدر را در مقابل جبر مطرح کرد که امویان از آن سو استفاده می‌کردند و به سرکوب و کشتار مخالفان خود می‌پرداختند.^۷ جهنی که به ترویج عقاید قدریه میان مسلمانان همت داشت، از تعلیمات نصرانیان متأثر بود. با این حال هیچ‌یک از خلفای اموی با این فرقه موافق نبودند. در نتیجه جهنی به دستور حجاج در کوفه کشته شد.
۲. واصل بن عطا: واصل بن عطا با کنیه ابوحنیفه، متکلم، ادیب و مؤسس فرقه معتزله و در واقع علم کلام است. او در سال ۸۰ قمری در مدینه متولد و در سال ۱۷۱ قمری در بصره وفات یافت.

۱. ناجی و المبارک، من مشامیر اعلام بصره، ص ۵۱.

۲. همان، ص ۲۹.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳۳.

۵. همان، ص ۳۰.

۶. دینوری، المعارف، ص ۴۴۱.

۷. ابن کثیر، البدایة و النهایه، ج ۹، ص ۳۵.

واصل از صحابه و تابعین مدینه، معارف اسلامی را آموخت و سپس از مدینه به بصره رفت و به مجلس درس حسن بصری پیوست.^۱ بنابه روایات تاریخی، واصل در بیشتر اوقات در جامع بصره با پیروان فرقه‌های مختلف از جمله خوارج، مناظره می‌کرد.^۲ واصل در یکی از جلسات درس با استادش (حسن بصری) بر سر سرنوشت مرتکب گناهان کبیره و تعیین حدود کفر و ایمان اختلاف نظر یافت و از مجلس درس او کناره گرفت. در نتیجه به اعتزال گرایید و پایه‌گذار معتزله یا «اهل عدل و توحید» - که در فارسی آنان را «عدلی‌مذهب» نیز می‌گفتند - گردید.^۳

فعالیت‌های علمی و سلسله مباحثات واصل آن قدر وسعت یافت که شاگردانش در بصره به ترویج اعتزال پرداختند و به تعبیری، مکتب معتزله بصره را بنیان نهادند. کتب *معانی القرآن*، *التوبه و المنزلة بین المنزلین* از جمله آثار تألیفی واصل می‌باشند. به‌طور کلی مهم‌ترین پیامد مباحثات و فعالیت علمی واصل در جامع بصره، تحکیم مبانی علوم اسلامی و گسترش اندیشه‌های کلامی اسلام در دوره‌های بعدی بود.^۴

۳. عمرو بن عبید: از جمله علمای مشهور جامع بصره در علم کلام و فلسفه، عمرو بن عبید (م. ۱۴۴ ق) بود. او از یاران نزدیک واصل و از مؤسسان مکتب اعتزال در بصره محسوب می‌شود.^۵

۴. رابعه بنت اسماعیل العدویه: رابعه (۱۳۵ - ۵۵ ق) از متکلمان، محدثان و صوفیان مشهور و معروف زن در بصره بود که همپای مردان فقه، حدیث و کلام در جامع بصره بحث و تدریس می‌کرد. صوفی‌گری و تبحر او در علم کلام، تأثیر زیادی در تسهیل و یادگیری اصول و مبانی اعتقادی اسلامی برای طلاب و به‌خصوص زنان داشت.^۶

۱. ثعالبی، *تحسین و تقییح*، ص ۳۷۴.

۲. ناجی و المبارک، *من مشاهیر اعلام بصره*، ص ۲۹.

۳. معروف است که واصل بعد از کناره‌گیری از مجلس درس حسن، در مسجد بصره بر ستونی تکیه کرد و شروع به الفای عقاید خود نمود و چون حسن او را بدین صورت دید، گفت: «اعتزل واصل عنا». به همین سبب است که واصل و معتقدین او را معتزله نامیده‌اند. این قول را گروهی از قبیل شهرستانی آورده‌اند. (شهرستانی، *الملل و النحل*، ج ۱، ص ۴۶) قول دوم در وجه تسمیه به معتزله آن است که عبدالقادر بغدادی صاحب *الفرق بین الفرق* گوید: حسن بصری وقتی واصل را از مجلس خود طرد کرد، او به یکی از ستون‌های مسجد بصره نزدیک شد و ایستاد. دوستش عمرو بن عبید بدو پیوست و مردم گفتند: «انهما قد اعتزلا قول الامة». از این رو اتباعشان معتزله نامیده شدند. (بغدادی، *الفرق بین الفرق*، ص ۱۲۰ - ۱۱۹)

۴. وات، *فلسفه و کلام اسلامی*، ص ۷۸.

۵. ناجی و المبارک، *من مشاهیر اعلام بصره*، ص ۲۹.

۶. همان، ص ۳۳.

علاوه بر شخصیت‌های علمی و دینی مذکور شاعران نیز گهگاهی در جامع بصره اشعار خود را در ستایش پیامبر ﷺ و در اصل در مدح و ذم خلفای اموی می‌خواندند. برای مثال مسلم بن ولید در جامع بصره حلقه ادبی تشکیل می‌داد و اشعار خود را می‌خواند.^۱ در واقع در مسجد جامع بصره دو گروه به فعالیت علمی می‌پرداختند: یک گروه معتزلیان بودند و گروه دیگر ادیبان که مکتب ادبی بصره را در رقابت با مکتب ادبی کوفه پایه‌گذاری کردند.

نتیجه

در توسعه علوم اسلامی، جامع بصره نقش کلیدی در میان تازه‌مسلمانان و موالی داشته است؛ به طوری که بیشتر کسانی که در این مسجد مانند ابوالاسود دؤلی، خلیل بن احمد، سیبویه و یحیی بن یعمر (عدوی) تعلیم و تربیت یافتند، از تازه‌مسلمانان بودند که آوازه علمی جهان اسلام شدند. این مسجد نه تنها یکی از مدعیان قدمت تاریخی مساجد جامع محسوب می‌شود، بلکه جایگاه و اهمیت کارکردی آن در تقابل با دیگر مساجد جامع از جمله جامع کوفه، زبانزد علما و فقها بود. پیدایش علم کلام و علم نحو در این مسجد و به تبع آن ظهور فرقه‌های کلامی مانند معتزله، به روشنی نقش و جایگاه آن در قرون اولیه اسلام را اثبات می‌کند. از طرف دیگر تقابل مکتب کوفه و مکتب بصره در شعر و ادب حاکی از آن است که در جامع بصره آزادی اندیشه و تساهل علمی و آموزشی برای طلاب و علما بیشتر از جامع کوفه بود که در نتیجه آن علم کلام ایجاد شد. یکی دیگر از نتایج کارکرد جامع بصره، پیدایش زمینه‌های تصوف در آن بود که حسن بصری نماینده آن بود. بدون تردید جامع بصره در کنار دیگر مساجد جامع مانند کوفه، دمشق و قسطنطنیه، کانون اصلی آموزش فقه، تفسیر، حدیث، لغت و به خصوص خاستگاه علم نحو بود. علاوه بر این در تقابل سیاسی تفکر عثمانی و تفکر علوی، مرکزی برای تبلیغ تشیع هم محسوب می‌شد. شخصیت‌های علمی و فقهی که در دامن جامع بصره تربیت یافتند، نقش زیادی در توسعه و تحکیم فرهنگ و تمدن اسلامی داشتند. کسانی مانند حسن بصری (که در فقه و حدیث مشهور به شیخ بصره بود)، عبدالله بن عباس (بحر الامت)، ابوموسی اشعری (مزامیری)، نصر بن عامر، معبد جهنی و واصل بن عطا در آموزش علوم اسلامی و گسترش آن و تعلیم و تربیت طالبان علم نقش بسزایی داشتند و منشأ آثاری برای اسلام بودند. مباحثات و مناظرات کلامی و مذهبی که میان طلاب و به خصوص بصریان و کوفیان صورت می‌گرفت، در حقیقت ناشی از غنای علمی - آموزشی این مسجد بود.

۱. همان، ص ۲۸.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بطوطه، *رحلة ابن بطوطه*، بیروت، چاپ محمد عبدالمنعم عریان، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م.
۳. ابن جوزی، *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمی، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م.
۴. ابن کثیر، *ابوالفداء، البداية و النهاية*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۶ م.
۵. بخاری، *ابوعبدالله، الجامع الصحیح*، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق.
۶. بغدادی، *عبدالقاهر، الفرق بین الفرق*، قاهره، چاپ محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، بی تا.
۷. بلاذری، *ابوالحسن احمد بن یحیی، فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره، ۱۳۳۷.
۸. ثعالبی، *ابومنصور، تحسین و تصبیح*، ترجمه محمد ساوی محقق، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، بی تا.
۹. ثقفی کوفی، *ابواسحاق، الغارات*، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳.
۱۰. جرجی، *زیدان، تاریخ اسلام*، مجموعه *تواریخ کمبریج*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۲.
۱۱. حموی، *یاقوت، معجم الادبا*، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، سروش، ۱۳۹۱.
۱۲. خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، ۱۴۰۵.
۱۳. دینوری، *ابوحنیفه، اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳.
۱۴. الزرکانی، *خیرالدین، الأعلم قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹ م.
۱۵. سزگین، *فؤاد، تاریخ نگارش های عربی*، ترجمه مؤسسه نشر فهرستگان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۶. سویطی، *محمد حسین علی، تاریخ واسط دراسة فی الحركة الفکرية خلال العصر العباسی*، بیروت، مؤسسه مصر مرتضی للکتاب العراقی، ۱۴۳۲.
۱۷. شهرستانی، *محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل*، ترجمه محمد سید کیلانی، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶ ق.
۱۸. صدر حاج سید جوادی، *احمد و دیگران، دائرة المعارف تشیع*، تهران، مؤسسه دائرة المعارف تشیع، ۱۳۷۲.
۱۹. صدوق، *محمد بن علی، علل الشرايع و الاحکام*، ترجمه حسین قاسمی، تهران، وانک، ۱۳۹۰.

- ۹۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۶، زمستان ۹۴، ش ۲۱
۲۰. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵.
۲۱. غنیمه، عبدالرحیم، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه نورالله کسایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۲۲. کلینی رازی، ابن اسحاق، *الکافی*، ترجمه جواد مصطفوی، تهران، ولیعصر، ۱۳۷۵.
۲۳. ماوردی، ابوالحسن، *آیین حکمرانی*، ترجمه حسین صابری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۲۴. ناجی، عبدالجبار و عبدالحسین المبارک، *من مشاهیر اعلام بصره*، بغداد، مطبعة جامع البصره، ۱۹۸۳ م.
۲۵. ناجی، عبدالجبار، *اسهامات مورخی البصره فی کتابة التاریخیه حتی القرن الرابع الهجری*، بغداد، نشر دار الشئون الثقافية العامة، ۱۹۹۰ م.
۲۶. نوری، حسن بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل*، تصحیح و تحقیق مؤسسه آل‌البیته علیهم‌السلام، قم، انتشارات مؤسسه آل‌البیته علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ ق.
۲۷. نویری، احمد بن عبدالوهاب، *نهاية الأرب فی فنون الأدب*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۲۸. الهروی، ابوالحسن علی بن ابوبکر، *الاشارات الی معرفة الزیارات*، قاهره، نشر مکتبة الثقافة الدینیة، ۱۴۲۳ ق.
۲۹. وات، ویلیام منتگمری، *فلسفه و کلام اسلامی*، ترجمه ابوالفضل عزتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.
۳۰. واقدی، محمد بن سعد، *الطبقات*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی